

سرمقاله

✱ سحرگاه شنبه ۳۱ خرداد از مسجد مقدس جمکران برگشتند. خانوادگی رفته بودند زیارت. تازه خوابیده بودند که انفجاری مهیب رخ داد و در چند ثانیه دود و گرد و غبار تمام خانه را پر کرد. مادر دو فرزند خود در میان آتش و دود از خانه خارج کرد. پدر هم از زیر آوار خود را بیرون کشید. به سرعت از خانه ای که هر لحظه بیم تخریب کامل آن می رفت، خارج شدند اما یک نفر کم بود! احسان، پسر نوجوان خانواده.

احسان عاشق ایران بود و در فضای مجازی، تنها پیگیر موضوعات مرتبط با مقاومت اسلامی بود. اگر کسی درباره کشور بد می گفت، ناراحت می شد. یک بار به مادرش گفته بود: «اگر جنگی شود، اجازه می دهی بروم؟» مادر گفته بود جنگ امروز مثل گذشته نیست و بیشتر موشکی است. او پاسخ داده بود: «اگر زمینی باشد، با افتخار می روم.»

پدر برای احسان، قطعه زمینی خریده بود. زمینی که احتمالاً در آن خانه ای بسازد و با خانواده ای که تشکیل می دهد، زندگی کند. احسان صاحب فرزند شود و پدرش، پدر بزرگ، همه آن آرزوها در چند لحظه بر باد رفته بودند... حالا پدر تصمیمی خاص گرفته است. زمین چند میلیاردی پسر شهیدش را می خواهد بفروشد تا در راه امنیت وطن هزینه شود. می گوید: با این پول چند موشک بسازید برای زدن قلب تل آویو. دفاع مقدس ۱۲ روزه ملت ایران در برابر تمام دنیای غرب وحشی و باند نیابتی و جنایتکار آن در منطقه، مملو از صفحات درخشان و روایت های افتخارآمیزی است که ماجرای شهید احسان قاسمی و خانواده اش تنها یکی از آنهاست.

دشمن ابله خیال کرده بود مردم ایران برای متجاوز فرش قرمز پهن می کنند اما محاسبات راهبردی آنها در عمل نه تنها شکست خورد بلکه برعکس آن رخ داد. مردم زیر پرچم سه رنگ کشور جمع و متحد شدند و نشان دادند به چنان بلوغ تاریخی و فکری ای رسیده اند که خوب می دانند که علی رغم تمام اختلاف سلیقه ها و روش ها و منش ها، در موقع خطر باید همه را کنار گذاشت و در برابر دشمن متجاوز متحد و منسجم بود.

دشمن فریبکار سال ها سعی کرده بود دوگانه ای دروغین درباره موشک و معیشت بسازد و امیدوار بود میوه این همه سال عملیات روانی را در جنگ اخیر ببیند اما نه تنها از این فریبکاری طرفی نیست بلکه حقایق بسیاری برای مردم آشکار شد و این همه نبود مگر به اعجاز خون های پاک که بر زمین ریخته شد و خون شهید همیشه در طول تاریخ بیدار کننده و آگاهی بخش بوده است. این خون این مردان و زنان، نوجوانان و کودکان سوخت موشک هایی خواهد شد که قلب تل آویو، این پایتخت تروریسم و جنایت دنیا را نشانه می رود. ✱

خون شهدا! سوخت موشک ها

ایرانی کم نمیاره

ماموریت خانم عسکری

تنها زندگی می کرد. جنگ که شروع شد خانواده اصرار می کردند برود دماوند؛ پیش دخترش. چند روزی دور از تهران و صدای پدافند و خبرهای تلخ، نفرت! راهش افتاد سمت معراج شهید. می دانست آن جا، کنار تابوت ها و مادرها و همسران بی تاب، بیشتر به او نیاز است. توی معراج، روان شناس ها و مشاورها که کم می آوردند، صدایش می زدند:

حاج خانم عسکری! کار خودته...

و او می نشست گنج دل سوخته مادران و می گفت:

من مادر مسعودم؛ پسر سوری شهید شده. سه ماه بعد، مادرم رفت. بعدتر، برادرم شهید شد و دو سال بعد، پدرم...! همدردی اش واقعی بود. از دل سوخته اش می آمد. مادر شهیدی اگر بی تابی می کرد، می گفت: منم یک سال ونیم با لباس مسعود گریه می کردم؛ تا وقتی همسر شهیدی خواب مسعود را دید که گفته بود: «به ما مانم بگو با لباسم گریه نکنه. عذاب می کشم...»

خیلیها وقتی حرفهایش را میشنیدند آرام میشدند.

او تهران ماند و مرهم شد. خوب می فهمید بعضی اشک ها فقط با حضور کسی خشک می شود که این داغ را چشیده باشد.

✍️ فائزه طاووسی

پیام صوتی خانم Zahra خطاب به نیروهای مسلح ایران:

الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است. تشکر می کنم از تمام کسانی که از زندگی، فرزندان و خانواده شان گذشتند، تا مادر امنیت باشیم، تا نقشه های دشمن عملی نشود، تا مشت کوبنده در دهان اسرائیلیها و خاندان نحس و نجس پهلوی کوبیده بشود که همیشه حامی اسرائیل هستند. تشکر می کنم از نظامی ها، از سپاه ها، از ارتش های عزیز، از خانواده هایشان. این را بدانند که تمام ملت ایران هر روز دعاگوی شان هستند و آرزوی موفقیت برایشان می کنند.

این صدای ملت ایران است



KHAMENEI.IR | فارسی
@Khamenei_fa

کاری که ملت یمن و دولت انصار الله در پشتیبانی از مردم غزه انجام دادند، حقاً و انصافاً در خور تحسین و تمجید است... امیدواریم ان شاء الله این مجاهدتها، این مقاومتها، این فعالیتها ادامه پیدا کند، حتی التّم باذن الله تعالی.

یک ایران، همدل است



ایران حسین

تا ابد پیروز است

اقدام گروهی از هموطنان

با نوشتن شعار «ایران

حسین تا ابد پیروز است»

روی شیشه ی ماشین ها

این شماره روزنامه تقدیم میشود به

شهیده سونا حقیقی و

فرزندش سهیل کطولی

